

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته علوم اقتصادی

عنوان
عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال نیروی کار

استاد راهنما
دکتر محمد حسین حسینی صدر آبادی

استاد مشاور
دکتر منیژه نخعی

دانشجو
مریم دادبخش

خرداد ۱۳۸۹

چکیده

بیکاری هر نهاده تولید به منزله از دست رفتن فرصت بهره‌برداری از آن برای تولید محصول است. انباشته شدن فرصت‌های از دست رفته در هر کشوری در طول زمان، منجر به ضعف نسبی اقتصاد آن کشور در مقایسه با سایر کشورها می‌شود. در میان عوامل تولید، عدم اشتغال نیروی انسانی افزون بر آثار اقتصادی، به دلیل آثار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار است. از این رو، به دلیل اهمیت مسئله اشتغال در پیشرفت و توسعه کشور، این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال و شناسایی اثرات آن می‌پردازد.

هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال نیروی کار در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۸۶ می‌باشد. برای این منظور از مدل VAR و VECM استفاده می‌شود. پس از برآورد مدل، با استفاده از توابع واکنش آنی، اثر هر یک از شوک‌های وارده از طرف موجودی سرمایه، شاخص عمومی قیمت‌ها، دستمزد حقیقی، درجه بازبودن اقتصاد و تسهیلات بر اشتغال نیروی کار مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، با به‌کارگیری روش تجزیه واریانس سهم هر یک از شوک‌ها در ایجاد نوسانات در اشتغال نیروی کار محاسبه می‌شود.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که موجودی سرمایه و قیمت دارای تاثیر مثبت بر اشتغال نیروی کار می‌باشد. افزون‌براین، دستمزد حقیقی و تسهیلات تاثیر منفی بر اشتغال نیروی کار دارند و درجه بازبودن اقتصاد دارای اثر مثبت بر اشتغال نیروی کار می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اشتغال نیروی کار، موجودی سرمایه، شاخص عمومی قیمت‌ها، دستمزد، درجه باز بودن اقتصاد، تسهیلات.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل ۱- کلیات تحقیق.....
۲	۱-۱- مقدمه.....
۳	۲-۱- بیان مسئله.....
۳	۳-۱- پرسش‌های تحقیق.....
۴	۴-۱- اهداف پژوهش و ضرورت انجام تحقیق.....
۴	۵-۱- فرضیه‌های تحقیق.....
۴	۶-۱- تعاریف عملیاتی.....
۴	۱-۶-۱- بیکاری.....
۵	۲-۶-۱- تقاضا برای نیروی کار.....
۵	۳-۶-۱- نیروی کار.....
۶	۷-۱- اطلاعات مربوط به روش‌شناسی پژوهش.....
۶	۱-۷-۱- تعریف جامعه آماری و ویژگی‌های آن.....
۶	۲-۷-۱- روش نمونه‌گیری و حجم تقریبی نمونه.....
۶	۳-۷-۱- ابزار سنجش، مقیاس‌های سنجش (پایایی-اعتبار).....
۷	فصل ۲- ادبیات موضوع.....
۸	بخش ۱- مبانی نظری.....
۹	۱-۲- مقدمه.....
۹	۲-۲- عرضه نیروی کار.....
۱۲	۳-۲- تقاضا برای نیروی کار.....
۱۳	۴-۲- تعادل بازار کار و تعیین سطح اشتغال و تولید.....
۱۵	۵-۲- بررسی ابعاد نظری تقاضای نیروی کار.....
۱۶	۱-۵-۲- تقاضای نیروی کار بر اساس روش حداکثر کردن سود.....
۱۷	۲-۵-۲- تقاضای نیروی کار بر اساس روش حداقل کردن هزینه.....
۱۹	۱-۲-۵-۲- استفاده از روش حداقل کردن هزینه در تابع تولید کاب داگلاس.....
۲۰	۳-۵-۲- مدل عدم تعادل در بازار کار.....
۲۰	۱-۳-۵-۲- معادله تقاضای نیروی کار.....
۲۱	۲-۳-۵-۲- معادله عرضه نیروی کار.....
۲۲	۳-۳-۵-۲- معادله تعدیل دستمزد واقعی.....
۲۲	۴-۳-۵-۲- میزان اشتغال.....

۲۲	مدل بین دوره‌ای تقاضای نیروی کار	۴-۵-۲
۲۶	الگوی پویای تقاضای نیروی کار	۵-۵-۲
۲۸	محدودیت در عرضه نیروی کار	۶-۲
۲۹	رشد نیروی کار	۷-۲
۳۰	رشد نیروی کار در مدل رشد هارود-دومار	۱-۷-۲
۳۰	رشد نیروی کار در مدل نئوکلاسیک‌ها (سولو)	۲-۷-۲
۳۲	بخش ۲- مروری بر مطالعات انجام شده	
۳۳	الف- مطالعات انجام شده در خارج	
۳۶	ب- مطالعات انجام شده در داخل	

فصل ۳- وضعیت اشتغال در ایران

۴۵	مقدمه	۱-۳
۴۶	تغییرات جمعیت در کشور	۲-۳
۴۸	جمعیت فعال در کشور	۳-۳
۵۰	تصویر از بیکاری در اقتصاد ایران	۴-۳
۵۲	تغییرات تقاضای نیروی کار	۵-۳
۵۳	اشتغال بخش عمومی و بخش خصوصی	۶-۳
۵۴	اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی	۷-۳
۵۵	عوامل مؤثر بر ایجاد اشتغال	۸-۳

فصل ۴- چارچوب نظری مدل، برآورد و تحلیل نتایج

۵۹	مقدمه	۱-۴
۵۹	تحلیل سری‌های زمانی	۲-۴
۶۰	معرفی مدل	۳-۴
۶۱	بررسی ایستایی متغیرها	۴-۴
۶۲	آزمون ریشه واحد دیکی‌فولر و دیکی‌فولر تعمیم‌یافته	۱-۴-۴
۶۳	نتایج آزمون ریشه واحد	۲-۴-۴
۶۴	تعیین طول وقفه بهینه	۵-۴
۶۴	بررسی همگرایی	۶-۴
۶۵	آزمون همگرایی جوهانسن	۱-۶-۴
۶۵	نتایج آزمون همگرایی جوهانسن-جوسیلیوس	۲-۶-۴
۶۸	الگوی خودبازگشت برداری VAR:	۷-۴
۶۸	توابع واکنش آنی (ضربه‌ای)	۱-۷-۴
۷۱	تجزیه واریانس	۲-۷-۴

۷۲الگوی تصحیح خطای برداری (VECM)	۸-۴
۷۳نتیجه‌گیری و پیشنهادات	فصل ۵-
۷۴نتیجه‌گیری	۵-۱-
۷۶پیشنهادات	۵-۲-
۷۷منابع	فهرست منابع
۸۱	ضمیمه

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۴۷	جدول ۱-۳: میزان جمعیت کشور و متوسط افزایش سالانه جمعیت
۴۸	جدول ۲-۳: میزان متوسط افزایش جمعیت فعال و جمعیت شاغل
۵۰	جدول ۳-۳: نرخ بیکاری در اقتصاد ایران در سال‌های مختلف
۵۳	جدول ۴-۳: توزیع شاغلان کشور بر حسب بخش‌های عمومی و خصوصی
۵۵	جدول ۵-۳: توزیع شاغلان کشور بر حسب بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی
۵۶	جدول ۶-۳: عوامل مؤثر بر ایجاد اشتغال
۶۳	جدول ۱-۴: نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)
۶۴	جدول ۲-۴: تعیین طول وقفه بهینه
۶۵	جدول ۳-۴: نتایج آزمون همگرایی جوهانسن- جوسیلیوس
۶۶	جدول ۴-۴: نتایج آزمون همگرایی جوهانسن- جوسیلیوس
۷۱	جدول ۵-۴: نتایج تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی اشتغال نیروی کار
۸۱	جدول ضمیمه-۱: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته اشتغال در سطح
۸۲	جدول ضمیمه-۲: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته اشتغال در اولین اختلاف
۸۳	جدول ضمیمه-۳: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته موجودی سرمایه در سطح
۸۴	جدول ضمیمه-۴: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته موجودی سرمایه در اولین اختلاف
۸۵	جدول ضمیمه-۵: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته قیمت در سطح
۸۶	جدول ضمیمه-۶: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته قیمت در اولین اختلاف
۸۷	جدول ضمیمه-۷: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته قیمت در دومین اختلاف
۸۸	جدول ضمیمه-۸: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته دستمزد در سطح
۸۹	جدول ضمیمه-۹: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته دستمزد در اولین اختلاف
۹۰	جدول ضمیمه-۱۰: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته درجه باز بودن در سطح
۹۱	جدول ضمیمه-۱۱: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته درجه باز بودن در اولین اختلاف
۹۲	جدول ضمیمه-۱۲: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته تسهیلات در سطح
۹۳	جدول ضمیمه-۱۳: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته تسهیلات در اولین اختلاف
۹۴	جدول ضمیمه-۱۴: نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته تسهیلات در دومین اختلاف
۹۵	جدول ضمیمه-۱۵: تعیین طول وقفه بهینه
۹۶	جدول ضمیمه-۱۶: نتایج آزمون همگرایی جوهانسن- جوسیلیوس
۱۰۰	جدول ضمیمه-۱۷: نتایج برآورد الگوی خود بازگشت برداری
۱۰۲	جدول ضمیمه-۱۸: نتایج تجزیه واریانس

جدول ضمیمه-۱۹: نتایج برآورد الگوی تصحیح خطای برداری ۱۰۳

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۱۰	شکل ۱-۲: تابع عرضه نیروی کار
۱۳	شکل ۲-۲: تابع تقاضای نیروی کار
۱۴	شکل ۳-۲: تعادل بازار کار
۱۵	شکل ۴-۲: تابع تولید
۴۷	شکل ۱-۳: میزان جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۵۵-۸۶
۴۹	شکل ۲-۳: میزان جمعیت فعال کشور طی سال‌های ۱۳۵۵-۸۶
۵۱	شکل ۳-۳: نرخ بیکاری در کشور طی سال‌های ۱۳۵۵-۸۶
۵۲	شکل ۴-۳: مقایسه نرخ رشد جمعیت فعال و شاغل
۵۴	شکل ۵-۳: درصد شاغلان بخش عمومی و خصوصی در کشور طی سال‌های ۱۳۵۵-۸۶
۵۶	شکل ۶-۳: مقایسه نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد جمعیت شاغل
۵۷	شکل ۷-۳: بررسی اثر نرخ رشد مانده تسهیلات بر نرخ رشد جمعیت شاغل
۶۹	شکل ۱-۴: تابع عکس‌العمل آنی اشتغال نیروی کار به موجودی سرمایه
۶۹	شکل ۲-۴: تابع عکس‌العمل آنی اشتغال نیروی کار به قیمت
۷۰	شکل ۳-۴: تابع عکس‌العمل آنی اشتغال نیروی کار به درجه باز بودن اقتصاد
۷۰	شکل ۴-۴: تابع عکس‌العمل آنی اشتغال نیروی کار به دستمزد حقیقی
۷۰	شکل ۵-۴: تابع عکس‌العمل آنی اشتغال نیروی کار به تسهیلات

فصل ۱- کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

مباحث اشتغال و بیکاری به انسان برمی‌گردد و پیچیدگی‌های انسان و نیازهای مختلف او اقتضاء می‌کند که این موضوع از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد. از بعد اقتصادی اشتغال به عنوان عامل مؤثر در رشد اقتصادی، توزیع عادلانه درآمدها، حفظ کرامت و عزت نفس انسان، افزایش ابتکارات و اختراعات و بیکاری به عنوان ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیامدها و تبعات ناگواری در پی داشته و خود را به صورت یک پدیده اقتصادی- اجتماعی بسیار مهم و حائز اهمیت برای دولت‌ها نشان داده است.

نیروی کار در مکاتب اقتصادی، دیگر به عنوان عامل رشد مطرح نیست؛ بلکه محور اساسی توسعه و تعالی تلقی می‌شود. در دهه‌های اخیر جایگاه و اهمیت سرمایه انسانی در مرکز توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته است و منابع انسانی، پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. از این نظر، بازار کار به عنوان یکی از چهار بازار اصلی اقتصاد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم روابط کار و تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار و اشتغال دارد.^۱

یکی از مهم‌ترین پیامدهای کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد عبارت است از عدم استفاده از ظرفیت مطلوب تولیدی که باعث رشد کند بهره‌وری صنایع و کاهش قدرت جذب اشتغال خواهد شد و بدین ترتیب بر رفاه اقتصادی مؤثر خواهد بود. از این رو با توجه به اهمیت اشتغال و نقش آن در سرنوشت فردی و اجتماعی انسان، در این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال می‌پردازیم.^۲

^۱ فاتحی، محمد حسین (۱۳۸۵). " اشتغال و بیکاری در دهه ۱۳۸۰ ". شماره نهم، سال دوم، صفحه ۱۴۴-۱۴۳.

^۲ امدادی، فاطمه (۱۳۷۹). " بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال در ایران با تأکید بر بخش صنعت (کارگاه‌های بزرگ صنعتی) طی چهل سال اخیر ". پایان نامه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه الزهراء، آذر ۱۳۷۹، صفحه ۵.

۱-۲- بیان مسئله

در کشورهای در حال توسعه نرخ بالای رشد جمعیت، کمبود سرمایه‌گذاری‌های جدید و به‌کارگیری تکنولوژی سرمایه‌بر در تولید، موجب افزایش بیکاری جمعیت فعال شده است. در سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۷ افزایش بیکاری و مهاجرت از کشورهای همسایه به ایران باعث شد که عرضه نیروی کار به مقدار زیادی افزایش یابد. در مقابل، به دلیل بروز جنگ تحمیلی و بحران‌های اقتصادی، ظرفیت تولیدی تحلیل یافت. جمله این عوامل موجب نامساعد گردیدن زمینه جذب نیروی کار و تنزل اشتغال‌زایی در اقتصاد ایران شد.^۱

بیکاری هر نهاده تولید به منزله از دست رفتن فرصت بهره‌برداری از آن برای تولید محصول است. انباشته شدن فرصت‌های از دست رفته در هر کشوری در طول زمان، منجر به ضعف نسبی اقتصاد آن کشور در مقایسه با سایر کشورها می‌شود. در میان عوامل تولید، عدم اشتغال نیروی انسانی افزون بر آثار اقتصادی، به دلیل آثار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در ایران نیز در کنار نامطلوب بودن بیکاری، آنچه این مشکل را در سال‌های پیش رو به مبرم‌ترین ضرورت برنامه‌ریزی تبدیل کرده است، به سن کار رسیدن موج جمعیتی حاصل از نرخ‌های رشد بالای جمعیت در سال‌های اولیه انقلاب است.^۲

طی سال‌های اخیر، تأمین اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در قالب یکی از دغدغه‌های اقتصادی و به عنوان ضروری‌ترین هدف برای مدیریت کشور و برنامه‌های اقتصادی در ایجاد فضای کسب و کار مد نظر قرار گرفته است.

از این رو، به دلیل اهمیت مسئله اشتغال در پیشرفت و توسعه کشور، این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال نیروی کار و شناسایی اثرات آن می‌پردازد.

۱-۳- پرسش‌های تحقیق

- ۱) عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال کدام‌اند؟
- ۲) آیا بین موجودی سرمایه و اشتغال نیروی کار رابطه مثبت وجود دارد؟
- ۳) آیا بین شاخص عمومی قیمت‌ها و اشتغال نیروی کار رابطه مثبت وجود دارد؟

^۱ پژمان، نادر (۱۳۸۲). "تقاضا برای نیروی کار، ریسک تولید و کارایی اشتغال در صنایع بزرگ ایران". پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۸۲، صفحه ۱۶۷.

^۲ رضوی، مهدی و شریفی، رسام (۱۳۸۳). "تحلیل دینامیکی اشتغال در اقتصاد ایران (بررسی موردی قانون اوکان)". فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۸، بهار ۱۳۸۳، صفحه ۳۵.

۴) آیا بین درجه باز بودن اقتصاد و اشتغال نیروی کار رابطه مثبت وجود دارد؟

۵) آیا بین دستمزد حقیقی و اشتغال نیروی کار رابطه منفی وجود دارد؟

۶) آیا بین تسهیلات پرداختی و اشتغال نیروی کار رابطه مثبت وجود دارد؟

۴-۱- اهداف پژوهش و ضرورت انجام تحقیق

نظر به اهمیت روز افزون اشتغال در توسعه همه جانبه هر کشور، لزوم پژوهش در زمینه عوامل ایجاد اشتغال با توجه به ظرفیت‌های فراوان کشور، ضروری است. پژوهش‌هایی از این دست، با ارائه راهکارهایی برای اشتغال‌زایی اصولی و طولانی‌تر و نیز رفع موانع موجود در مسیر اشتغال برای محققان و مسئولین اجرایی می‌تواند بسیار سودمند باشد.

۵-۱- فرضیه‌های تحقیق

۱- بین موجودی سرمایه و اشتغال نیروی کار رابطه مثبت وجود دارد.

۲- بین شاخص عمومی قیمت‌ها و اشتغال نیروی کار رابطه مثبت وجود دارد.

۳- بین درجه باز بودن اقتصاد و اشتغال نیروی کار رابطه مثبت وجود دارد.

۴- بین دستمزد حقیقی و اشتغال نیروی کار رابطه منفی وجود دارد.

۵- بین تسهیلات پرداختی و اشتغال نیروی کار رابطه مثبت وجود دارد.

۶-۱- تعاریف عملیاتی

۱-۶-۱- بیکاری^۱

بیکاری حالتی می‌باشد که پاره‌ای از نیروی کار جامعه درحالی که توان انجام کار و میل به انجام کار را دارد، از پیدا کردن کار محروم بماند. در سیستم سرمایه‌داری غرب همواره تعدادی بیکار به دلیل تغییر شغل، ترک یک حرفه و انتظار کشیدن برای یافتن حرفه دیگر وجود دارد.^۲

^۱. Unemployment

^۲. توانایان‌فرد، حسن (۱۳۸۶). فرهنگ تشریحی اقتصاد، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه، چاپ دوم، صفحه ۱۰۰۹.

۱-۶-۲ - تقاضا برای نیروی کار^۱

تقاضا برای نیروی کار، میزان نیروی کار است که بنگاه های تولیدی در سطوح مختلف دستمزد استخدام می کنند. در یک مدل ساده بازار کار، تولیدکننده تا آنجا به استخدام نیروی کار خواهد پرداخت که این استخدام برای وی سودآور باشد؛ به عبارت دیگر ارزش افزوده نیروی کار بیشتر از دستمزد پولی دریافتی وی باشد. بنابراین در حالتی سود تولیدکننده به حداکثر خواهد رسید که ارزش پولی تولید نهایی هر واحد اضافی کار معادل هزینه دستمزد نیروی کار باشد. در این شرایط، اولاً، در صورت افزایش قیمت محصول تولیدی بنگاه، تقاضا برای نیروی کار افزایش خواهد یافت؛ ثانیاً، زمانی که تولید فیزیکی نیروی کار افزایش یابد (از طریق کار بیشتر و یا افزایش کارایی نهایی کارگر)، تقاضا برای نیروی کار افزایش خواهد یافت؛ ثالثاً، همراه با کاهش سطح دستمزدها، تقاضا برای نیروی کار افزایش خواهد یافت؛ رابعاً، زمانی که تولیدکننده از سرمایه بیشتری در تولید استفاده می کند یا تقاضا برای نیروی کار به دلیل افزایش بهره‌وری نیروی کار (به علت به کار گرفتن ماشین‌آلات جدید) افزایش می‌یابد و یا اینکه در صورت جانسین شدن سرمایه به جای کار، تقاضا برای نیروی کار تقلیل خواهد یافت.^۲

۱-۶-۳ - نیروی کار

کار یک عامل تولید است. در زندگی روزمره کار عبارت است از کار دستی یا فیزیکی که به وسیله مردان و زنان انجام می‌شود مثل کارگران با دستمزد پایین، کارگران جاده‌ساز و غیره. در علم اقتصاد، واژه کار به مفهوم وسیع‌تر به کار می‌رود و عبارت است از تلاش بدن، فکر یا هر دو به طور جزئی یا کلی به منظور کسب درآمد توسط انسان. انگیزه انجام کار باید کسب درآمد یک انسان زنده باشد و نه صرفاً تفریح یا میل به خدمت و غیره.^۳

^۱. Demand for Labour

^۲. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۲). فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، تهران؛ انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، صفحه ۴۵۰.

^۳. توانایان‌فرد، حسن (۱۳۸۶). فرهنگ تشریحی اقتصاد، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه، چاپ دوم، صفحه ۲۴۴.

۷-۱-اطلاعات مربوط به روش‌شناسی پژوهش

۷-۱-۱- تعریف جامعه آماری و ویژگی‌های آن

جامعه آماری در این پژوهش، کشور جمهوری اسلامی ایران است. آمارهای مورد نیاز برای این تحقیق از مراکز آماری رسمی کشور نظیر مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی تهیه شده است.

۷-۱-۲- روش نمونه‌گیری و حجم تقریبی نمونه

روش گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای است.

آمارهای مورد استفاده در این پژوهش، مربوط به سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۵۵ است.

۷-۱-۳- ابزار سنجش، مقیاس‌های سنجش (بایایی-اعتبار)

در پژوهش حاضر، مدل مورد استفاده با استفاده از نرم افزار Eviews و روش‌های اقتصادسنجی تخمین زده خواهد شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل‌های آماری صورت خواهد گرفت.

فصل ۲- ادبیات موضوع

بخش ۱ – مبانی نظری

۲-۱- مقدمه

در این قسمت، ابتدا به بررسی نحوه استخراج منحنی‌های تقاضا و عرضه نیروی کار، تعادل بازار کار و تابع تولید پرداخته می‌شود و سپس تئوری‌های مطرح شده در زمینه تقاضای نیروی کار و تعیین اشتغال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲- عرضه نیروی کار

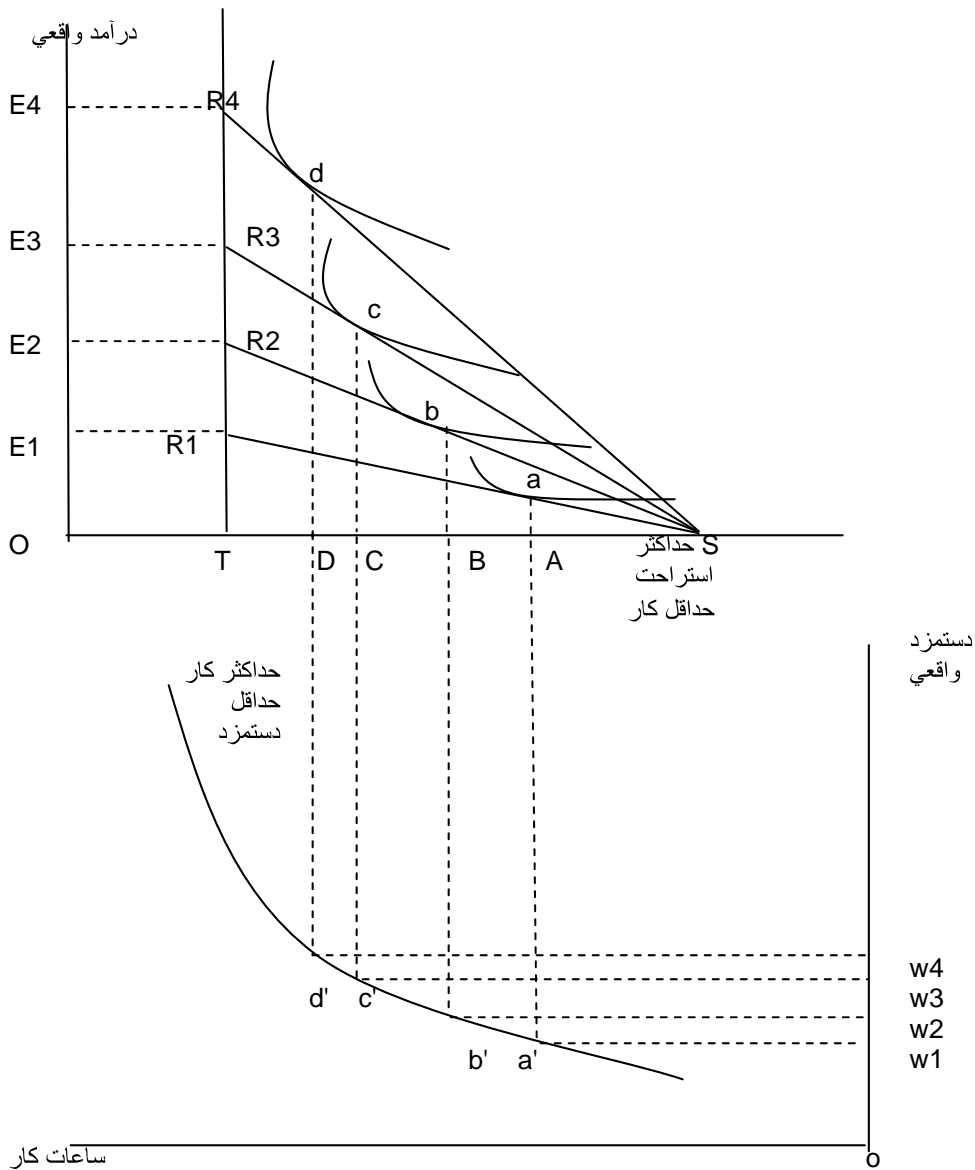
به طور سنتی، در تجزیه و تحلیل عرضه نیروی کار این مسأله مطرح می‌شود که انتخاب فرد بین ساعات کار کردن و استراحت یا فراغت چگونه است؟ به نظر می‌رسد که فرد در تخصیص زمان خود به کار کردن و استراحت یا فراغت، به سلیقه و ترجیحات خود برای این دو نوع فعالیت (کار و استراحت) و نیز به هزینه فرصت فراغت توجه می‌نماید.

با توجه به شکل ۲-۱، می‌توان فرض نمود که OS حداکثر ساعات کار در طول یک روز باشد، در حالی که OT حداقل ساعاتی می‌باشد که باید برای استراحت ذخیره گردد (مثلاً حداقل ساعاتی که برای خوابیدن، صرف غذا و غیره لازم است).

بنابراین فرد فقط به اندازه TS ساعت، زمان دارد که می‌تواند آن را به استراحت یا کار تخصیص دهد. باید توجه داشت که این دو را نمی‌توان توأمأ داشت و یا به عبارت دیگر، این دو مانع الجمع^۱ هستند و اگر فرد زمانی را برای استراحت در نظر بگیرد، پولی به او پرداخت نخواهد شد، درحالی‌که برای هر ساعت کار کردن، درآمدی خواهد داشت. اگر فرد در انتخاب تعداد ساعات کاری که باید در روز انجام دهد آزاد باشد و اگر تصمیم بگیرد که تمام ساعاتش را صرف استراحت کند، در آن صورت، درآمد واقعی‌اش به صفر تنزل می‌یابد. از طرف دیگر، اگر او تمام وقتش را برای کار کردن تخصیص دهد، در آن حالت، درآمد واقعی‌اش به حداکثر خواهد رسید و اگر یک حالت بینابین انتخاب گردد، درآمد واقعی در جایی بین حداقل و حداکثر قرار خواهد گرفت. اگر دستمزد حقیقی در ساعت، مشخص باشد و فرض گردد که نرخ دستمزد نسبت به ساعات کار تغییر نکند، در آن حالت، می‌توان رابطه درآمد - استراحت را بدست آورد. بنابراین، با نرخ دستمزد (W_1) حداکثر ساعت کار موجب به دست آوردن درآمد حقیقی برابر با $E_1 (= R_1)$ خواهد شد. برای هر ساعت کمتر از حداکثر که برای استراحت مورد استفاده قرار گیرد، درآمد از دست می‌رود، تا اینکه اگر به اندازه OS زمان به استراحت تخصیص یابد، درآمد واقعی صفر خواهد شد. بنابراین،

^۱ . Mutually Exclusive

خط R_1S مبادله بین درآمد-استراحت (یا خط محدودیت بودجه) به حساب آمده که شیب آن به وسیله نرخ دستمزد مشخص می‌شود.



شکل ۱-۲: تابع عرضه نیروی کار

اگر نرخ دستمزد ساعتی افزایش یابد، در آن حالت، شیب خط مبادله درآمد-استراحت بیشتر می‌شود که حاکی از این است که هزینه فرصت استراحت، افزایش یافته است. با توجه به ترکیب و شکل داده شده و نیز منحنی‌های بی‌تفاوتی فرد، این افزایش در نرخ دستمزد موجب می‌شود که فرد، کار را جایگزین استراحت نماید. در نتیجه، ساعات استراحت به TB کاهش، ساعات کار به BS افزایش و درآمد واقعی به Bb افزایش خواهد یافت (که این بزرگتر از Aa خواهد بود). به همین ترتیب، افزایش بیشتر در نرخ

دستمزد واقعی که باعث افزایش بودجه به R_3S و R_4S می‌گردد، موجب افزایش بیشتر در ساعات کار و کاهش بیشتر در زمان استراحت خواهد شد. حال اگر این اطلاعات به شکل زیرین منتقل گردد، با توجه به نقاط d^1, c^1, b^1, a^1 که هماهنگ با نقاط d, c, b, a در قسمت بالای شکل هستند، منحنی عرضه کل را به دست خواهیم آورد.

بنابراین، عرضه نیروی کار می‌تواند دارای شیب مثبت یا منفی باشد که بستگی دارد به اینکه کدامیک از دو اثر درآمدی و جانشینی بر دیگری برتری یابد. در حقیقی، این منحنی ممکن است دارای شیب عقب‌گرد باشد، در جایی که افزایش در یک دستمزد کم باعث عرضه نیروی کار با شیب مثبت خواهد شد. ولی در یک سطح دستمزد حقیقی بالا، افزایش دستمزدها ممکن است باعث گردد که کارگران میزان استراحت بیشتری را ترجیح دهند.

در سطح صنعت، منحنی عرضه نیروی کار ممکن است افقی یا دارای شیب مثبت باشد:

- اگر صنعت نسبت به عرضه کل نیروی کار کوچک باشد، گسترش صنعت ممکن است هیچ تأثیری بر نرخ دستمزد نداشته باشد. در این حالت نرخ دستمزد به عنوان منحنی عرضه افقی صنعت بکار گرفته می‌شود.
- ولی اگر صنعتی از نیروی کار متخصص استفاده می‌کند، از این بابت که استفاده صنعت از نهاده بر قیمت آن نهاده تأثیر می‌گذارد، در این صورت عرضه باید دارای شیب مثبت باشد و بنگاه‌ها باید آنان را با پرداخت دستمزدهای بالاتر جذب کنند.
- یا اگر صنعت نسبت به عرضه کل نیروی کار کوچک نباشد و بزرگ باشد یعنی زمانی که چندین صنعت نوع به خصوصی از نیروی کار را مورد استفاده قرار می‌دهند با گسترش محصول در این صنعت، دستمزد کارگران باید به منظور خارج کردن آنان از سایر صنایع یا حَرَف افزایش یابد یعنی عرضه نیروی کار صعودی است.

با توجه به تجزیه و تحلیل فوق، می‌توان اینگونه پیشنهاد نمود که عرضه نیروی کار یک رابطه مثبت با نرخ دستمزد حقیقی و یا به‌طور خلاصه با دستمزد حقیقی دارد. در نتیجه، می‌توان این چنین استدلال نمود که اگر این حالت برای تک افراد جامعه وجود داشته باشد، در آن صورت جمع افقی منحنی‌های عرضه نیروی کار افراد، عرضه کل نیروی کار جامعه را بدست خواهد داد.